

طرح تأسیس بانک ملی در نخستین دوره مجلس شورای ملی؛ ضرورت‌ها و موانع (۱۳۲۴-۱۳۲۶هـ.ق)

محمد تقی مختاری

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی

محمد بیطرفان*

دانشجوی دکتری رشته تاریخ، دانشگاه خوارزمی

(از ص ۱۲۳ تا ۱۴۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۳/۰۱/۲۰

چکیده

پس از پیروزی انقلاب مشروطیت زمینه‌های شکل‌گیری نهادهای نوین فراهم شد. یکی از مؤلفه‌های اصلی این نهادها، آشنایی مردم با حقوق سیاسی و اجتماعی خود بود. لذا تشکیل مجلس و نهادهای سیاسی و مدنی در ولایات ایران، ضرورت استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را آشکار نمود. طرح تأسیس بانک ملی، به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم نمایندگان مجلس، در راستای صیانت از مبانی و اساس اقتصاد کشور صورت گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از اینست که چندین عامل مهم ضرورت شکل‌گیری بانک ملی را نزد نمایندگان مجلس تبیین می‌کرد، که از آن جمله می‌توان به مشکلات اولیه مالی و اقتصادی و سیطره بیگانگان بر حیات اقتصادی کشور اشاره نمود. این جریان، با موانع و مشکلات بسیاری همراه شد؛ چنان‌که فقدان علم و سواد توده مردم، نبود تجربه کافی، عدم امنیت سرمایه‌گذاری و غیره از موانع عمده شکست طرح اولیه بانک ملی بود. روش تحقیق در این جستار توصیفی-تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب مشروطیت، مجلس شورای ملی، بانک ملی، استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی

*نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول مقاله: Std_mbitarfan@khu.ac.ir

مقدمه

انقلاب مشروطیت زمینه‌های شکل‌گیری نهادهای غربی را در ایران به وجود آورد. با نگاه مختصر به اقدامات مجلس اول، زوایای پویایی نخستین لوایح مجلس مشخص می‌شود. استقلال سیستم مالی-اقتصادی به عنوان گلوگاه حیاتی کشور، در زمره نخستین درخواست‌های نمایندگان مجلس بود.

از دوره ناصری و پیدایی عصر امتیازات، پیوندی متقابل و ناگسستنی میان ابزارهای اقتصادی و سلطه سیاسی شکل گرفت. این جریان، موازنه قدرت را از دستان دولت خارج نمود و گفتمان سیاسی-اقتصادی خاصی به وجود آورد. سیطره دولت‌های روس و انگلیس بر گمرکات شمال و جنوب، در کنار استفاده از سیاست‌های پولی بانک‌های استقرایی و شاهنشاهی، به رابطه معکوس میان رشد اقتصاد ملی در برابر حوزه نفوذ بیگانگان در کشور انجامید؛ بدین معنا که با دخالت هر چه بیشتر کشورهای مزبور در سیاست‌های تجاری و مالی، به همان سان حوزه اقتصادی کشور با انحطاط و رکود مواجه شد. این مسئله در آستانه مشروطیت، وضعیت نابهنجاری در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی کشور به وجود آورده بود.

تجار نخستین مخالفان سلطه اقتصادی و سیاسی دولت‌های روس و انگلیس و طراحان اقتصاد ملی با تکیه بر منافع جمعی در لوای تأسیس بانک ملی بودند و با توجه به اینکه در مجلس اول از قدرت بیشتری برخوردار بودند، به تنویر افکار عمومی و تحریک دیگر نمایندگان پرداختند. بنابراین، با پیدایش مشروطیت و شکل‌گیری مجلس ملی، نمایندگان با توجه به مسئله اقتصاد ناوابسته و به تبع آن خروج از سلطه سیاسی، طرح جامع و فراگیری با عنوان بانک ملی پیشنهاد دادند که منظور از آن انباشت سرمایه ملی و به تبع آن استقلال سیاسی بود.

درباره پیشینه تحقیق باید اذعان نمود که پژوهش مستقل از منابع و اسناد متقن درباره ضرورت‌ها و موانع شکل‌گیری بانک ملی صورت نپذیرفته است؛ کما این که کتب و مقالاتی هم به شکل‌گیری بانک ملی در دوره اول اشاره کرده‌اند. در پژوهش حاضر از منابع مختلف به ویژه روزنامه‌ها، خاطرات و دست‌نوشته‌های دوره مشروطیت، اسناد باقی‌مانده و... به نحو مطلوب بهره برده شده است.

پرسش‌های مقاله حاضر عبارتند از: ۱. ضرورت‌های شکل‌گیری بانک ملی در اوان مشروطیت چه بود؟ ۲. چه موانع و عللی باعث شکست و ناکامی ایده بانک ملی شد؟

۱. ضرورت‌های تأسیس بانک ملی در ایران

مهم‌ترین ضرورت تشکیل بانک ملی، استقلال نهاد اقتصادی و به تبع آن نهاد سیاسی کشور بود. حوزه نفوذ استعمارگران در شالوده‌های اقتصادی کشور، به ناگزیر توده مردم به خصوص صنف تجار و صراف را روبه‌روی آنان قرار داده بود.

رویه پرداخت وام‌های کلان توسط بانک‌های روس و انگلیس و گروکشی منابع اقتصادی کشور، از زمان ناصرالدین شاه آغاز شد و در دوره مظفری به انحطاط اقتصادی کشور انجامید. این جریان پیش از مشروطیت زمینه‌های مخالفت و اعتراض عمومی را در مناطق مختلف کشور به وجود آورد. تجار و صراف‌ها از اینکه اقتصاد کشور در کام اجنبی افتاده و سهم شهروند ایرانی در برابر این مؤسسه نوپا کاهش پیدا کرده است، به شدت معترض بودند، ولی این اعتراض‌ها هیچ نتیجه مثبتی در پی نداشت.

پس از مشروطیت، مجلس با لایحه قرضه دولت مخالفت کرد و نخستین زمزمه‌های تأسیس بانک ملی در میان نمایندگان شنیده شد (هدایت، ص ۱۴۴). سنخ این اعتراضات، نشان‌دهنده انزجار نمایندگان از کشورهای روس و انگلیس به دلیل گروکشی و چپاول اقتصاد ملی بود. در میانه این اعتراضات حمله روزنامه‌ها به بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی شدت گرفت؛ حتی زمزمه تأسیس بانک آلمانی در ایران، هیاهوی بسیاری نزد اصحاب جراید به پا کرد. این جریان باعث شد تا در ضمن مخالفت با تأسیس بانک آلمانی، بسیاری از مضار بانک‌های بیگانه در جراید به بوته نقد و بررسی سپرده شود.

نخستین بار روزنامه حبل‌المتین تهران درباره اهداف آلمان در ایران و آسیای غربی دست به قلم برد. در مقاله روزنامه فوق، به نقش بانک‌های روسیه و انگلیس در قبضه اقتصاد کشور اشاره شد. حبل‌المتین هدف بانک آلمانی^(۱) را تاراج باقیمانده ثروت ایران قلمداد کرد و درباره ادعای بانک که به دنبال منافع دو طرفه تجاری بود، آورده است: «لکن گویا همه دول در اول این حرف را می‌زنند کمپانی هندوستان هم اول غیر از تجارت کاری نداشت» (روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۱۳، ص ۲). و از این روش به طور تلویحی به ادعای بانک خط بطلان می‌کشد. اما مهم‌ترین قسمت این مقاله درج تلگراف روزنامه رویتر است که در آن آمده بود نماینده بانک آلمان نه با دولت ایران، بلکه با نمایندگان روس و انگلیس درباره اخذ امتیاز به گفتگو پرداخته است. این جریان باعث شد حبل‌المتین اعلام کند که «از مضمون تلگراف معلوم می‌شود صاحب‌اختیار و مالک رقاب ایران، روس و انگلیس هستند» (همان جا). حبل‌المتین دگربار در شماره ۱۵ خود،

هدف آلمان را «بملاحظه پلتیک» و اصل کلی آن را تسخیر فضای حیاتی دانست، و مسئله تجارت را ظاهر کار معرفی کرد؛ چنان که برای صحت ادعای خود به تحلیل مباحث مالی آلمان در عثمانی و ممالک دیگر پرداخت. به اعتقاد نگارنده حبل‌المتین «وضع ترقیات» بانک استقراضی و شاهنشاهی «مهیج و مشوق» آلمان بوده است. در ادامه، حبل‌المتین به صورت تلویحی منافعی را که بانک‌های فوق در ایران به دست آوردند - و باعث شوق آلمان شد- را فهرست می‌کند. این روزنامه همچنین به حافظه کوتاه‌مدت ایرانیان یا همانا «مرض فراموشی» اشاره، و به شدت از آن انتقاد می‌کند و در پایان با زیرکی فراوان می‌گوید «به صوت بلند می‌گوییم تا ما از خود بانک نداشته باشیم، ممکن نیست دارای استقلال شویم... (و) بانک خارجی جز محنت به ملک ما نمی‌آورد و غیر از ذلت و مسکنت ارمغانی» ندارد (همان، ش ۱۵، صص ۲-۳)^(۲).

بعد از نگارش این مقالات از سوی روزنامه حبل‌المتین، روزنامه ایران - ارگان رسمی دولت - در مقاله‌ای به عنوان «رفع شبهت»، دیدار نماینده بانک آلمان با نمایندگان روس و انگلیس پیش از رایزنی با دولت ایران را انکار و هرگونه سیادت دولت روس و انگلیس را بر دولت ایران رد کرد (روزنامه ایران، ش ۴، صص ۲-۳)؛ ولی در شماره ۳۶ روزنامه حبل‌المتین شخصی با نام مستعار «اب»، به شدت از رویه روزنامه ایران انتقاد می‌کند و در این زمینه می‌آورد «روزنامه ایران وظیفه‌اش ترویج افکار و تحسین اطواری است که از ادارات درباری به ظهور می‌رسد و برای همین کار هم تأسیس شده است». بر این اساس نظر روزنامه ایران را درباره مسائل سیاسی صائب نمی‌داند (روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۳۶، صص ۱-۲).

نقدهای دیگری نیز درباره اندیشه سیاسی و حوزه نفوذ بانک آلمانی در جراید نگاشته شد، که در زمینه رد یا تأیید نگاه نگارنده حبل‌المتین به حوزه سیاسی آلمان بود؛ چنانکه میرزا حسین خان -منشی سفارت اتریش و مجارستان- کلیات نظر حبل‌المتین را رد می‌کند. وی حضور آلمان در بازار تجاری ایران را مهم ارزیابی می‌کرد، و از لحاظ سیاسی آن را به عنوان نیروی سوم در حفظ و بقای ایران مؤثر می‌دانست (همان، ش ۳۰، صص ۱-۳). البته در خصوص حضور بانک آلمان در ایران تحلیل‌های مختلفی شده است و هر یک از دیدگاه خاصی به این مقوله نظر افکنده‌اند^(۳).

تاراج منابع پولی ایران از چند طریق صورت می‌گرفت

الف) نشر اسکناس: از زمانی که بانک شاهنشاهی امتیاز نشر اسکناس را اخذ نمود، به مرور زمان شاهد جمع‌آوری مسکوکات نقره و طلا از دست مردم هستیم (حاج سیاح، ص ۵۰۸). به طوری که بانک شاهنشاهی و «شعب آن در ایران کار ربودن طلاهای این کشور را برای خارجه» تسهیل کرد (مستوفی، ص ۴۵۴). بانک شاهی انگلستان در زمینه حجم و مقدار اسکناس‌های جاری در کشور، زیر بار هیچ‌گونه نظارت از طرف دولت ایران نمی‌رفت؛ به قول یک رساله انتقادی عصر قاجار هیچکس از «رفتار و تجارت و نقدیه» آن مطلع نبود (آدمیت و ناطق، ص ۲۶۱). این جریان باعث اعتراضات و شکایات فراوانی در بین توده مردم و حتی دولت شد. به عنوان مثال، عین‌السلطنه در چند جا از «قحطی پول» سخن می‌گوید. جالب این که بانک زمانی به مردم وام می‌داد که جواهرات خویش را در بانک گرو می‌گذاشتند. حتی شخصی همچون عین‌السلطنه هم مجبور به گرو گذاشتن جواهرآلات خود شد (عین‌السلطنه، ج ۱، صص ۵۶۲-۵۶۳؛ همان، ج ۳، ص ۲۳۱۹).

ب) گروگذاری حقوق گمرکات شمال و جنوب و سهم تلگرافات و پستخانه های کشور: بدترین عملکرد دولت واگذاری گمرکات جنوب و شمال کشور در دست بیگانگان به بهانه وام‌های دولتی بود. میرزا غلامحسین خان شیرازی با اشاره به دو قرض سنگین خارجی در دوره ناصری و مظفری به طور تلویحی آن را عامل بدبختی ملت ایران قلمداد کرده است. وی با تکیه بر این نکته که هرکدام از این قروض بخشی از سیستم اقتصادی کشور را گروکشی می‌کرد، نتیجه آن را فشار بر گرده «ایرانیان بدبخت شاه‌پرست» می‌دانست (افضل‌الملک، صص ۳۹۵-۳۹۶)؛ زیرا گذشته از آن که منافع بسیاری را عاید روس و انگلیس کرد و مردم ایران را از آن محروم نمود، به مرور زمان باعث ورشکستگی تجار داخلی و به تبع آن رکود اقتصادی کشور شد. دولت‌های مزبور با ایجاد تسهیلات برای تجار خود، آشکارا تجار داخلی را از عرصه رقابت خارج کردند و برخی را به تابعیت خود کشاندند. برای مثال در مکاتبات سیاسی به طور آشکار آمده است که بانک استقراضی به عنوان شعبه‌ای از وزارت دارایی روسیه (Drage, p:68) در پرداخت قرضه مالی به دولت ایران اهداف و منافع سیاسی را دنبال می‌کرد^(۴).

بانک‌های روس و انگلیس حضور سیاسی و نظامی در گمرکات را حق خود می‌دانستند. به عنوان نمونه، پس از آن که بانک شاهنشاهی گمرکات بوشهر را ضبط

نمود، دولت انگلیس «پنجاه نفر سرباز انگلیسی و دو ارابه توپ در بوشهر نگاه داشت که محض نگاه‌داری و حفظ حقوقات گمرکی» لازم می‌دانست؛ این عمل باعث شکایت‌های فراوان تجار شد (عین‌السلطنه، ج ۲، ص ۱۳۲۳). زمانی هم که گمرکات بوشهر از دست انگلیس خارج شد، عین‌السلطنه می‌آورد «در حقیقت بوشهر را دولت ایران مجدداً مالک» شد (همان، ص ۱۳۵۱).

سر آخر این‌که به گفته دانش‌پور به نقل از جریده مظفر - که در دوره پهلوی منتشر می‌شد، بانک شاهنشاهی انگلستان و بانک استقراضی روس، «زیان‌آورتر و خسران‌آمیزتر» این نهاد‌های غربی بودند که جامعه و دولت ایران را به انحطاط کشیدند. چرا که این مؤسسه‌ها با ایجاد «فساد در طبقه حاکمه مملکت»، تشویق و ترغیب «اولیای امور» به رشوه‌گیری در لباس وام، ممانعت و جلوگیری از پیشرفت‌های اقتصادی و ایجاد مؤسسات مالی، هر چه بیشتر ایران را در کام انحطاط فرو بردند (دانش‌پور، ص ۷).

با این تفاسیر، مهم‌ترین انگیزه از درج سلسله اخبار و مقالات، نشان دادن حوزه نفوذ بیگانگان بر منابع اقتصادی کشور و به تبع آن حوزه نفوذ سیاسی آنان برای توده مردم بود. از این‌رو، اهداف اصلی تأسیس بانک ملی چنین آورده شده است: الف) رهایی ایران از «چنگال»، «دستبرد»، «قید مرهونیت» اجانب و نفوذ سیاسی ناشی از آن (روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۷۵، ص ۲؛ روزنامه صبح صادق، ش ۹۰، ص ۱-۲؛ گروه، ص ۲۳۸)، ب) «دوام و استقلال» مملکت و رفع «بیچارگی و اضمحلال» ملت (روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۱۷۲، ص ۱-۳؛ روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۶، ص ۲)، ج) گردش مالی پول‌های دفن شده (مجلس، ش ۸، ص ۴) و انباشت سرمایه در دستان دولت، که شق آخر د) باعث رفع «احتیاجات» ملت، ترقی «تجارت»، کشیدن «راه آهن»، احداث «کارخانجات»، ترویج «زراعت» و کشف «معادن» می‌شد (روزنامه صبح صادق، ش ۶۰، ص ۱؛ همان، ش ۱۵۰، ص ۱-۲؛ روزنامه مجلس، ش ۸، ص ۲، ۴). تمامی این مؤلفه‌های یاد شده، لزوم تأسیس «بانک ملی» به مثابه «شالوده ترقی ایران» را تبیین می‌نمود (روزنامه جهاد اکبر، ش ۲۹، ص ۱-۳) و با تشکیل نشدن آن به قول حبل‌المتین کلکته «محال اندر محال است که بتوانیم حفظ مشروعیت خود را» به دست آوریم (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۲، ص ۷).

برشماری اهداف فوق در میانه سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۶ق، ضرورت تأسیس بانک ملی را آشکار کرد. نمایندگان و روشنفکران برای ترقی این اندیشه توده مردم را تشویق و ترغیب کردند (فریدالملک، ص ۳۷). بنابراین مردم نیز در وهله نخست، شور و اشتیاق

زیادی نشان دادند؛ تا جایی که زنان النگوها و گوشواره‌های خود را به حراج گذاشتند (روزنامه تمدن، ش ۱۲، ص ۴؛ روزنامه خورشید، ش ۱۰، ص ۱؛ روزنامه بشارت، ش ۵، ص ۲)؛ طلاب حوزه‌های علمیه کتاب‌های خود را فروختند (روزنامه آزاد، ش ۳، ص ۴؛ روزنامه مجلس، ش ۷، ص ۱)؛ شاگردان دبستانی پول جیبی خود را که مبلغ ناچیزی می‌شد اهدا کردند (همان، ص ۱؛ رایس، صص ۱۵۱-۱۵۲)؛ این فداکاری «طبقات ضعفا» و «طائفه نسوان»، دیگر ملل عالم را به حیرت انداخت (روزنامه تمدن، ش ۶۳، صص ۲-۳).

۲. چگونگی تأسیس بانک ملی

نخستین زمره‌های تشکیل بانک ملی در تاریخ ۲۲ رمضان ۱۳۲۴ - یعنی زمانی که لایحه قرضه دولت به مجلس فرستاده شد - شنیده شد. معین‌التجار بوشهری اولین پیشنهادکننده طرح بانک ملی بود و حامی اصلی این طرح نیز تجار بودند (روزنامه حکمت، ش ۸۸۰، صص ۵-۱۰).

اعلان اولیه تأسیس بانک ملی در برخی جراید منعکس گردید (روزنامه بشارت، ش ۳، ص ۳؛ روزنامه حکمت، ش ۸۸۰، صص ۱۰-۱۲؛ روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۲۱، صص ۵-۷). از طرف دولت مرکزی هم نسخ چاپی آن به اقصی نقاط ایران فرستاده شد (نظام‌السلطنه مافی، ج ۳، صص ۷۴۰-۷۴۱). همچنین اعلامیه آن بر در و دیوار شهر چسبانیده شد (گروته، ص ۲۳۷).

بر اساس این اعلامیه سرمایه اولیه بانک «سی کرور» الی «یکصد کرور» تومان تخمین زده شد. تعداد مؤسسين آن نیز صد نفر اعلام گردید که هر کدام از ۵۰۰۰ الی ۵۰,۰۰۰ تومان «الی هر میزانی» سهام خرید کنند. همچنین هسته پنج نفری که مسئول جمع‌آوری پول‌ها بودند مشخص شدند: «حاجی محمدحسین آقا امین‌الضرب، حاجی محمداسماعیل آقا تجار تبریزی، حاجی باقر آقا صراف تبریزی، عمده‌التجار ارباب جمشید، عمده‌التجار طومانیانس». از قرار معلوم چندی بعد هسته‌ای ده نفری را به قید قرعه از میان مؤسسين انتخاب کردند، تا در اداره مرکزی به رتق وفتق امور بپردازند (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۱۰، ص ۵).

بعد از اعلان تأسیس بانک ملی، نگارش نظامنامه آغاز شد؛ نظامنامه را اشخاص کاردانی همچون مخبرالسلطنه هدایت از روی قوانین بانک آلمان تنظیم نمودند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ص ۴۶۲). پس از تدوین، نخستین بار در تاریخ ۲۶ شوال ۱۳۲۴

برای تنقیح به مجلس ارائه گردید و در چندین جلسه مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. چنان که برخی از بندهای آن با توجه و نظر نمایندگان تغییر یافت (روزنامه مجلس، ش ۱۱، صص ۱-۲؛ همان، ش ۱۲، ص ۲). سرانجام در ذیحجه ۱۳۲۴، به توشیح محمدعلی شاه رسید (روزنامه حکمت، ش ۸۸۲، صص ۷-۸؛ روزنامه انجمن تبریز، ش ۱۳، ص ۱). بعد از توشیح و ارسال نظامنامه به اقصی نقاط ایران، روزنامه انجمن اصفهان خبر افتتاح آن را درج کرد (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۹، ص ۸). لیکن در اصل قضیه تشکیل بانک مدت زیادی تأخیر افتاد. به نظر می‌رسد دولت -در دوره امین‌السلطان- خواستار تغییر مواد نظامنامه بوده است، ولی نمایندگان مخالف بوده اند (روزنامه مجلس، ش ۱۸۰، ص ۱؛ همان، ش ۱۸۱، ص ۲). دوره یأس و ناامیدی برقرار بود تا این که احتشام‌السلطنه ریاست مجلس را برعهده گرفت. وی از رمضان ۱۳۲۵ تلاش بسیاری کرد تا بتواند بانک ملی را به جریان بیندازد (روزنامه ندای وطن، ش ۸۲، صص ۱-۲). ولی عواملی مانع از آن شد که در بخش موانع تأسیس بانک ملی بدان پرداخته خواهد شد.

۳. بررسی منابع مالی بانک ملی

پس از طرح تأسیس بانک ملی در مجلس راهکارها و روش‌های بسیاری از سوی نمایندگان، سیاسیون، روشنفکران و جراید برای تأمین منابع مالی بانک ملی ارائه شد؛ ولی برخی از راهکارها اعمال و برخی دیگر در حد پیشنهاد باقی ماند.

پیشنهاد‌های جذب منابع مالی

الف) استقراض ملی: نخستین پیشنهادی که از سوی مجلس ملی ارائه شد، فراخوان خرید سهام اختیاری از سوی توده مردم بود (بنگرید به اعلان تأسیس بانک ملی: روزنامه حکمت، ش ۸۸۰، صص ۱۰-۱۲). در ابتدا استقبال بی‌نظیری از این طرح شد (رک: روزنامه کوکب دری، ش ۴، صص ۲-۳). به عنوان مثال، در شیراز در مسجد مشیرالملک در حدود دو هزار زن و مرد جمع شدند و قریب به بیست‌هزار تومان به بانک ملی کمک کردند (همان، ش ۸، صص ۴-۵). مردم آذربایجان نیز مبلغ «دو کروور» تومان حاضر کردند (روزنامه ندای وطن، ش ۲۴، ص ۸).

بنا به گفته ادوارد بروان، فقط در تهران یک میلیون تومان (بروان، ص ۱۳۸) و به قول روزنامه انجمن تبریز یک کروور تومان گردآوری شد (روزنامه انجمن تبریز، ش ۱۳، ص ۲). بنا به شهادت حبل‌المتین کلکته پول زیادی جمع شده بود تا جایی که دو کروور می‌خواستند

به دولت قرض بدهند (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۲۳، ص ۱۹). ولی به مرور زمان و در جریان اختلاف دولت و مجلس - بر سر برخی مواد آئین‌نامه آن - بذریعۀ اعتمادی در میان مردم پاشیده شد.

ب) استفاده از موقوفات: در این پیشنهاد آمده بود که با اجازه «حجج اسلام عتبات عالیات»، موقوفاتی را که مردم وقف «مشاهد مشرفه» و غیره کرده‌اند، یکساله یا دوساله به بانک واگذار شود (روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۱۹۸، ص ۴).

ج) دریافت مبالغ کلان از سرمایه‌داران به صورت اختیاری: این پیشنهاد در نظر داشت تا با استفاده از سرمایه ثروتمندان ایرانی، بخشی از منابع مالی بانک ملی را تأمین کند؛ اما به نظر نمی‌رسد استقبال شایانی از سوی این بخش از جامعه صورت گرفته باشد، زیرا خبری در این زمینه در منابع نیامده است.

د) اخذ مبالغ کلان از زمین‌داران و اشراف به صورت اجباری: این طرح زمانی در مجلس مطرح شد، که روند سرمایه‌گذاری از طریق استقراض ملی شکست خورده بود. از این‌رو، برخی از نمایندگان خواهان دریافت وجه از اشراف به صورت اجباری شدند. چنان که روزنامه رهنما به تأسی از مقاله روزنامه کشکول اعتقاد داشت باید از اشراف و زمین‌داران به صورت اجباری «حق خودمان را» بگیریم (روزنامه رهنما، ش ۹، صص ۳-۴؛ همچنین برای اطلاع از مقاله روزنامه کشکول ن.ک: روزنامه کشکول، ش ۲۰، ص ۱). حتی شخصی به گردآوری اسامی اشراف و تجار ثروتمند مبادرت نمود (اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده، صص ۳۹۳-۳۹۸). در این میان احتشام‌السلطنه از همه بیشتر به این مقوله پرداخت؛ تا جایی که با توسل به قوه قهریه از بعضی اشراف پول گرفت (روزنامه تمدن، ش ۶۳، ص ۲؛ روزنامه ندای وطن، ش ۱۸۳، صص ۳-۴؛ احتشام‌السلطنه، صص ۶۰۹-۶۱۰؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره‌بازیابی ۲۳۷۵۱/۲۴۰، سند ۱).

ه) جمع‌آوری طلا و نقره‌جات عامۀ مردم: این پیشنهاد نخستین‌بار از سوی شخصی به نام محمودزاده در مقاله‌ای با عنوان «راه چاره یا علاج فوری» طرح شد. وی با بیان این نکته که اجبار در جمع‌آوری اعانه به خاطر نبود پول کارساز نیست، «علاج فوری و دوای درد بیدرمان» را جمع‌آوری «طلالات و نقره‌آلات» داخل مملکت عنوان کرد (روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۱۵۱، صص ۲-۴). همچنین پیشنهادهای دیگری که مؤید مطلب فوق است در روزنامه‌های دیگر بیان شد (ر.ک: روزنامه انجمن تبریز، ش ۱۸، صص ۱-۲).

(و) فروش جواهرات دولتی: این طرح برای بار اول از طرف یک عالم اصفهانی در روزنامه تمدن پیشنهاد شد. شخص فوق «بهترین و نیکوترین» سرمایه بانک ملی را «فروش جواهرات نفیسه دولتی که علی‌التحقیق بالغ بر یکصد و هشتاد کرور» تومان بود، می‌دانست. وی اعتقاد داشت این طرح در ممالک دیگر هم تجربه شده است^(۵). شاید به خاطر همین پیشنهاد، نزدیک به سیصد هزار تومان طلای مسکوک را که در خزانه بود از محمدعلی شاه گرفتند (دولت‌آبادی، ج ۲، ص ۱۵۵). هرچند در منابع مذکور به عکس‌العمل محمدعلی شاه اشاره‌ای نشده است.

(ز) استقراض از کشور ثالث: نمایندگان مجلس زمانی که فهمیدند نمی‌توانند از داخل استقراض کنند پیشنهاد دادند از کشوری غیراستعمارگر استقراض شود. احمد تبریزی طی خبری در سرمقاله روزنامه ندای وطن می‌آورد یکی از بانک‌های نیویورک حاضر به وام دادن به ایران است؛ کما این که سؤالاتی دارد که از مسئولان ایران خواهان جواب دادن آنست (روزنامه ندای وطن، ش ۲۶۳، صص ۱-۲). ولی این پیشنهاد کاملاً روشن بود که به مانع‌تراشی روس و انگلیس می‌انجامد.

(ح) انتقال خزانه دربار: این طرح بیشتر از سوی انجمن‌های شهر تهران صورت گرفت که با نهاد سلطنت زاویه زیادی داشتند. به‌رحال، در دوره ریاست احتشام‌السلطنه بر مجلس، بر اثر فشار انجمن‌های تهران و دیگر افراد، خزانه محمدعلی شاه به وزارت مالیه منتقل شد (احتشام‌السلطنه، صص ۶۱۵-۶۱۶).

با توجه به تمام این پیشنهادها، به نظر می‌رسد فقط بندهای (الف، ج، د، و) عملی شده باشد. درباره کمک مالی اشراف و توده مردم اخبار ضد و نقیضی در منابع گزارش شده است. برخی‌ها اعتقاد دارند پول هنگفتی به دست آمد (تقی‌زاده، صص ۱۰۳-۱۰۴؛ پروان، ص ۱۳۸)، برخی‌ها هم معتقدند که در جریان کمک به بانک فقط هیاهو صورت گرفت و کمک چندانی نشد (دولت‌آبادی، ج ۲، ص ۱۵۵). اما واقعیت اینست که اگر سرمایه بانک از طریق استقراض ملی تأمین می‌شد، دیگر احتیاجی به خرده‌گیری نمایندگان نبود و بانک سر موعد مقرر تأسیس می‌شد. ارباب جمشید که یکی از مسئولان جمع‌آوری وجوهات مردمی بود، در مجلس طی نطقی می‌آورد: «هزار و پانصد تومان به من داده بودند پانصد تومان آن را پس گرفتند و هزار تومانش هم به اطلاع حاجی امین‌الضرب به مصرف رسید» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ص ۴۶۱). بنابراین، عملاً طرح تأسیس بانک

ملی با شکست روبه‌رو شد. در این میان، پول‌های جمع‌شده بانک، به ترتیب برای «حقوق ارباب حقوق»، سفرای خارج و قشون هزینه گردید (دولت‌آبادی، ج ۲، ص ۱۵۵؛ کسروی، ص ۲۵۱).

۴. موانع و علل شکست طرح تأسیس بانک ملی

چند عامل مهم تأسیس بانک ملی را با ناکامی روبه‌رو ساخت، که بدین شرح است:

الف) عدم اطمینان و امنیت در سرمایه‌گذاری

بی‌گمان مهم‌ترین عاملی که توده مردم را به سرمایه‌گذاری بی‌میل کرد، عدم اطمینان و امنیت بود. زیرا گذشته از شوق اولیه بخش‌هایی از جامعه - که بیشتر قشر متوسط شهری را دربر می‌گرفت -، بخش بزرگی از جامعه با این طرح همگام نشدند. در نتیجه نمایندگان مجلس تلاش و راهکارهای فراوانی برای جلب اطمینان مردم انجام دادند (روزنامه مجلس، ش ۵: ص ۲).

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - نماینده مجلس - عامل «بینونیت بین دولت و ملت» را از عوامل بی‌اعتمادی توده مردم عنوان کرد (روزنامه مجلس، ۱۸۱: ۱). بنابراین، سخن روزنامه «طیمس»^(۶) بی‌اعتبار نبود که اعتقاد داشت «این هم پوشیده نیست که شور و جوش مؤسسين بانک، هموطنان دیگر را به سر وجد و حال نیاورد و با وعده‌های اتصالی^(۷) بانک ملی صورت خارجی نگرفت». هر چند این سخن تا حدودی مغرضانه بود و مورد انتقاد جریده حبل‌المتین قرار گرفت (روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۱۴۵، صص ۱-۳)، ولی بی‌گمان از بی‌میلی لایه‌های مختلف جامعه پرده برداشت. این جریان در یکی از مکتوبات شهری روزنامه ندای وطن کاملاً آشکار است؛ نگارنده این مکتوب با اشاره به اشتیاق اولیه مردم در کمک به بانک ملی، با طرح سؤالی درباره از میان رفتن اعتبار بانک در میان توده مردم می‌گوید که «علت چه شد که حالا به زور محصل هم نمی‌دهند» (روزنامه ندای وطن، ش ۱۳۰، ص ۲).

دلایل نبود اطمینان و امنیت در سرمایه‌گذاری به گذشته تاریخی ایران بازمی‌گشت. این جریان خود یکی از عوامل توسعه‌نیافتگی ایران محسوب می‌شود. در گذشته تاریخی، به سبب نبود قانون مدون و وجود حکومت استبدادی، مال و ملک رعیت جزو اموال پادشاه و کارگزاران وی محسوب می‌شد. بنابراین، با گرفتن مالیات‌های سنگین و تصرف اموال منقول و غیرمنقول مردم، بذریعگی بی‌اعتمادی در سرزمین ایران پاشیده شد. این جریان باعث شد تا مردم پول‌های خود را دفن کنند و یا از دسترس بیگانه

پنهان نمایند که این خود به مرور زمان باعث نابودی و گاهی فراموش می‌شد و مهم‌تر از آن از انباشت سرمایه و به جریان افتادن پول جلوگیری می‌کرد. حتی «مردمان صاحب ثروت» به دلیل ناامنی، پول خود را در «بانک روسی و انگلیسی» یا «کارخانجات اروپا» سرمایه‌گذاری می‌کردند (روزنامه صبح صادق، ش ۶۰، ص ۱).

گذشته از این جریان‌های غالب، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین جریان بی‌اعتمادی مردم، در قضیه «شرکت عمومی» تبلور یافت. تا جایی که جراید، روشنفکران و نمایندگان مجلس سعی کردند خاطره شرکت عمومی را از ذهن مردم پاک، و قضیه بانک ملی را از آن جدا نمایند. زیرا موضوع شرکت عمومی، در واقع «سلب اطمینان از خلق» نموده بود (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۳۱، ص ۱۲). در این راستا، روزنامه انجمن تبریز بانک ملی را «خزانه دولت و بیت‌المال مسلمین» معرفی کرد و اعتقاد داشت «خیالات موهومه را باید از سر بیرون کرد که مبادا تنخواه من تلف» شود (روزنامه انجمن تبریز، ش ۶۷، صص ۲-۳).

عدم همراهی مردم خراسان نیز در این مقوله خلاصه می‌شود؛ تا جایی که نماینده آنان در مجلس طی گلایه‌نامه‌ای می‌آورد «به هرکس در خراسان این تکلیف شود فوراً خواهد گفت این هم شرکت عمومی خواهد شد و حال آن که این بانک ملی» است (روزنامه خورشید، ش ۱۱، صص ۷-۸).

در این قضیه ندای وطن نیز می‌آورد: «این که بعضی می‌گویند امنیت نداریم ناشی از بی‌اطلاعی آنهاست والا هیچ دانایی بانک ملی را مقایسه به شرکت عمومی نخواهد کرد». سپس این روزنامه به تنویر افکار عمومی پرداخته و با چند دلیل متقن تلاش می‌کند قضیه بانک ملی را از شرکت عمومی جدا کند (برای اطلاع از دلایل مقاله ن.ک: روزنامه ندای وطن، ش ۸۲، صص ۱-۲).

از دلایل دیگری که شک و دودلی درباره بانک ملی را در اذهان عمومی افزایش داد، اطلاع‌رسانی نامناسب از فرایند جمع‌آوری سرمایه و تشکیل بانک ملی بود. به زبان دیگر متولیان امر بانک، به طور رسمی سرمایه جمع‌آوری شده و یا محل خرج آن را مشخص نکردند و مراحل تکوین بانک ملی را به مردم اطلاع ندادند. این جریان حاشیه‌های بسیار و انتقادهای فراوانی از سوی محافل به همراه داشت (روزنامه روح‌القدس، ش ۱۷، ص ۴؛ روزنامه معارف، ش ۴۵، صص ۱-۲؛ روزنامه ندای وطن، ش ۱۸۳، صص ۳-۴؛ روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۳۷، ص ۳). به عنوان نمونه روزنامه معارف از این مسئله آشفتگی بود و انتقاد شدیدی داشت که چرا «هیچ چیز معلوم هیچکس نیست» (روزنامه معارف، ش ۱۵، صص ۲-۳).

بنابراین، روزنامه‌ها اعتقاد داشتند برای این مسئله باید اعتمادسازی لازم صورت پذیرد: (۱) توده مردم مطمئن باشند که اعتباری که در بانک باز می‌کنند «حاصل آن در سال بدون زحمت سؤال و جواب به صاحب آن عاید می‌شود...» (۲) مدیر آن کسی انتخاب شود که در میان ملت و دولت «محل اعتماد عمومی» باشد (روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۴۵، صص ۵-۶). (۳) متولیان امر بانک به شفاف‌سازی بپردازند. زیرا اشخاصی خواهان دانستن آن بودند که جمع کل پول، محل مصرف پول، رئیس بانک و جایگاه بانک کجاست (روزنامه تمدن، ش ۵۴، صص ۳-۴؛ همان، ش ۵۹، ص ۲؛ روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۱۷۲، صص ۱-۳).

ب) کارشکنی‌های بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی

پس از انتشار امتیازنامه بانک ملی حساسیت روس و انگلیس نسبت به این طرح بیشتر شد؛ زیرا مواد امتیازنامه به طور شفاف و صریح حوزه نفوذ دولتین را به شدت کاهش می‌داد. بند ۴ درباره دریافت حق امتیاز چاپ اسکناس بود - هرچند حق انگلیس بر آن را تا پایان امتیازنامه بانک شاهنشاهی حفظ کرده بود- هشدار برای حق مداخله آینده انگلیس در روابط بانکداری ایران قلمداد می‌شد. بندهای ۵ و ۶ هم به ضرر دولتین بود، زیرا در آن حق و اختیار احداث راه‌های شوسه و راه‌آهن و همچنین حق استخراج معادن و جواهرات به بانک ملی داده شده بود. مهم‌تر از همه در بند ۸ به حق بانک ملی در ورود نقره تصریح شده بود (مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۱۴۹۹۲-ق و ۱۴۹۹۳-ق)^(۸). این ماده اعتراض شدید انگلستان را در پی داشت؛ زیرا انگلستان سالیانه از ورود و ضرب نقره سود سرشاری می‌برد. چنان که مارلینگ در ژانویه ۱۹۰۸ طی گزارشی به سردار داری، وضعیت برتری را - بر طبق امتیازنامه - برای بانک ملی بر می‌شمارد. وی انحصار ورود نقره را حالت تبعیض‌آمیز می‌دانست و وقوع آن را حمل بر نتایج منفی برای بانک شاهنشاهی عنوان کرد. انگلستان زمانی به عمق این مسئله پی برد که وزیر امور خارجه ایران در جواب اسپرینگ رایس - که ادعا داشت امتیازنامه بر اساس شروط (بندهای) ناشایست تنظیم شده است - به طور صریح عنوان کرد که ورود این فلز مغایر با امتیاز بانک شاهنشاهی نیست (Iran Political Diaries, v3, p459).

کارشکنی بانک‌های انگلیس و روس را در چندین مورد می‌توان رصد کرد؛ به عنوان مثال در زمانی که دولت و مجلس به این نتیجه رسیده بودند که استقراض ملی نمی‌تواند سرمایه مورد نظر بانک را تأمین کند، برای رتق و فتق امور به فکر قرضه خارجی افتادند

(کتاب آبی، ج ۱، ص ۵۲؛ کتاب نارنجی، ج ۱، صص ۱۳۴-۱۳۵). اما رابینو، رئیس بانک شاهنشاهی ضمن این که دولت را برای بازپرداخت اقساط وام‌های پیشین تحت فشار قرار داده بود، از پرداخت هرگونه وام به بانک در حال تأسیس ممانعت نمود (Iran Political Diaries, v3, p306). همچنین ایجاد شورش‌های مختلف از طرف بانک‌های استقرایی و شاهنشاهی در میان ارباب حقوق و کسانی که حقوقشان به تعویق افتاده بود، یکی دیگر از برنامه‌هایی بود که بدان وسیله مجلس را فلج کنند تا از تأسیس بانک صرف نظر شود (تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ص ۱۳۱).

در کنار آن بانک‌های روس و انگلیس با ایجاد موانع مختلف، تا توانستند پول در گردش را کاهش دادند؛ زیرا معتقد بودند اگر بانک ملی با سرمایه شش میلیون تومان تأسیس شود، دیر یا زود باید بساط خود را از ایران برچینند (بروان، ص ۱۳۸). به قول عین‌السلطنه «در اول، خارجه پول قرض می‌دادند، این حکایت بانک ملی و این دروغ‌های ما اسباب آن شد که ندادند و حالا هم نمی‌دهند، زیرا پلتیک آنها از این راه بیشتر از پیش پیشرفت می‌کرد. بنابراین، برای این که مردم پول را در بانک ملی سپرده نکنند، به قول عین‌السلطنه «الماس و زمرد» هم کسی می‌برد دیگر بانک به کسی پول نمی‌داد (عین‌السلطنه، ج ۳، ص ۱۸۰۷).

به شهادت سر اسپرینگ رایس، وزیر مختار انگلستان در ایران، بعدها در دوره مشروطیت زمانی که مردم شوق زیادی داشتند تا برای استقلال سیاسی به بانک ملی کمک مالی کنند، پول نقد در دست مردم نبود و اگر هم وجود داشت در بانک شاهی و بانک استقرایی روس قرار داشت و این بانک‌ها هم راضی نبودند و جوه نقد خود را در اختیار دولت قرار دهند (رایس، ص ۱۵۲).

روزنامه اقیانوس در طی یادداشتی، ضمن طرح سؤال، به طور تلویحی به یکی از علل شکست بانک ملی اشاره می‌کند؛ در بخشی از این یادداشت آمده است: «...یا بعضی از وزراء جانب انگلیس را از جانب ملت گرامی تر داشتند، یا خود از طرف بانک شاهنشاهی بانگ لیره بلند شد و از این بانک نافیروز بیرق بانک ملی ما سرنگون گشت» (روزنامه اقیانوس، ش ۵، صص ۴-۵).

ج) نقش دولت، دربار و مستبدان در عدم تأسیس بانک

دولت و دربار یکی از موانع تأسیس بانک ملی بود. در منابع مختلف به صورت محدود اما گویا، بدان اشاره شده است. حبل‌المتین در جواب یکی از خوانندگان که چرایی «تأخیر افتتاح» بانک را پرسیده بود، می‌گوید: «علت تأخیر بانک ملی دولت است زیرا که دولت

در گرفتن قرض با آن که اول خیلی اصرار داشت امروز مسامحه می‌کند و به دفع‌الوقت می‌گذراند...» (روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۲۶، ص ۳). همچنین حسنعلی خان نماینده مجلس در ضمن نطق خود می‌آورد: «گویا به دولت فهماندند که تأسیس بانک موجب ترقی مشروطیت می‌شود؛ این بود که مانع شدند». حاجی محمداسماعیل آقا هم با بیان واگذاری پول به قشون از طرف بانک ملی می‌گوید: «نمی‌دانم چه شد که تأخیر افتاد علت را نمی‌گویم همین‌قدر دیدند صلاح نیست این بانک تشکیل شود مساعدت نکردند همین‌طور که حالا هم مساعدت نمی‌کنند» (روزنامه مجلس، ش ۱۸۰، ص ۲).

به نظر می‌رسد دولت با اساسنامه‌ای که مجلس برای اخذ وام از بانک ملی تدوین کرده بود (مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۲۹۲۷۹-ق؛ همان، ۲۹۲۸۰-ق)، مخالفت داشت (محیط مافی، ص ۲۳۹، ۲۴۳-۲۴۵، ۲۲۸-۲۳۰). زیرا مجلس در این طرح حق نظارت خود را در چگونگی مصرف پول استقراری تصریح نموده بود (مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۲۹۲۷۹-ق). دولت حتی زمانی که با مخالفت نمایندگان درباره پیشنهاد قرضه روبه‌رو شد (تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ص ۱۳۷)، به طور غیرقانونی و مخفیانه برای راه انداختن امور روزمره خود از بانک شاهنشاهی وام دریافت کرد (مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۹۰۰۰۳-ق). دولت در تاریخ ۹ اکتبر ۱۹۰۶ مبلغ ۱۴۲۰۰ تومان از قرار صدی ۱۲٪ برای قزاقخانه از بانک شاهنشاهی قرض نمود (همان، سند ۹۰۰۰۳-۱-ق).

همچنین فعالیت مستبدان برای ناکارآمدی چرخه بانک ملی امری بارز بود. زیرا انباشت سرمایه ملی زمینه‌های شکست هرچه بیشتر آنان را فراهم می‌کرد. بنابراین، از هر طریق می‌کوشیدند تا کمک‌های مردمی را از بانک منع یا به حداقل برسانند (روزنامه صوراسرافیل، ش ۳، ص ۴).

وابستگان دربار با ترفندهای مختلف می‌خواستند حضور مردم را در کمک به بانک کمرنگ کنند. شایعه‌سازی یکی از اقدامات آنان بود و به گفته روزنامه مجلس با این عمل درصد برهم زدن اساس بانک ملی بودند (مجلس، ش ۲، ص ۴؛ همان، ش ۴، ص ۳). ایجاد شورش‌ها و فتنه‌های فراوان در اقصی نقاط ایران یکی دیگر از طرح‌های مستبدان بود تا با انحراف ذهن مجلس از قضیه بانک ملی یک گام تا حذف آن پیش روند. روزنامه معارف با درج مقاله‌ای با عنوان «حوادث ربیع‌الثانی» با دقت خاصی به این جریان پرداخته است. جریده فوق در این باره می‌آورد:

«در ربیع‌الاول گفتگوی بانک ملی از زبان‌ها افتاده و خیال آن از خاطرها محو شده بود، در ربیع‌الثانی جان نو گرفت. رقیب که همت مردانه در تشکیل بانک ملی که خرمن‌سوز آرزوهای بیگانه است مشاهده می‌کند، توقع دارید آسوده بنشیند موشک ندواند؟ البته هزار دسته‌گل به آب می‌دهد.» (روزنامه معارف، ش ۳۲، ص ۱)

روزنامه مزبور شکل‌گیری «فتنه شیراز»، «حادثه کرمانشاه» و «طغیان حاجی آقا محسن عراقی» را عامل مستقیم این قضیه معرفی می‌کند (همان، صص ۱-۲).

د) نبود علم و ثروت

نبود علم و ثروت از مباحث کانونی و زیربنایی بحث موجود است. کما این که در دوره مشروطیت خیلی‌ها علت تشکیل نشدن بانک یا هر مؤسسه نوین را به این قضیه نسبت می‌دادند. روزنامه مساوات عامل بی‌سوادی و بی‌علمی جامعه را مهم‌ترین رکن نهادینه نشدن نهادهای مدرن در ایران می‌دانست. وی به طوری تلویحی ضمن انتقاد از گذشته تاریخی و عوامل حکومتی می‌آورد:

«ای کاش در این مدت عمر خود که آن همه مسطوره^(۹) از فرنگ خواستیم و شب و روز بارکش فرنگان شدیم اقلاً یک مرتبه هم مسطوره بانکی از آنجا می‌خواستیم که امروز دچار این همه فقر و پریشانی نمی‌شدیم و ثروت مملکت را به‌بهای جهل و نادانی از دست نمی‌دادیم» (روزنامه مساوات، ش ۴، صص ۴-۵).

همچنین در بین مردم جملاتی نظیر این جمله رواج داشت که «بانک چه مصرف دارد؟»، هرچند این قضیه را به اشخاص «سر تا پا غرض» نسبت می‌دادند (روزنامه انجمن تبریز، ش ۳۸، ص ۳)، واقعیت اینست که اغلب توده مردم از کارکرد این مؤسسه اطلاع نداشتند، و یا آنچه از ذهنیت استبدادزده خود و یا نشانه‌های بانک‌های بیگانه می‌دیدند، نسبت به آن بدبین بودند. از این‌رو، میرزا حسن نامی در طی مقاله‌ای در روزنامه حبل‌المتین با عنوان «بانک ملی چه شد»، علت اصلی تشکیل نشدن بانک را در وهله اول فقدان علم و در گزینه دوم نبود ثروت عنوان کرد؛ وی در این باره می‌آورد «به هر یک از آنها که بخواهی تعریف بانک ملی را بکنی مثل اینست که از برای کوری وصف جمال شاهد جمیلی را کنی یا برای کری ساز پیانو بنوازی ...» (روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۱۷۲، صص ۱-۳). مدبرالممالک هرنندی هم خصلت مردم را نشانه می‌گیرد که نتیجه مستقیم نبود علم و سواد کافی در جامعه بود. وی در این خصوص می‌آورد:

«علت پیشرفت نکردن این مقصود، پر واضح است؛ امروزه به‌حدی غرض و مرض فضای این مملکت را پر کرده که با ذره‌بین حقیقی خردلی راستی و درستی در بطون این مملکت

ملاحظه نمی‌شود. طرفداری نوع و خیرخواهی ملت به هیچ‌وجه ملحوظ نیست. غیر از نفع شخصی چیزی در کار نیست» (روزنامه تمدن، ش ۶۸، صص ۲-۳).

نتیجه

طرح تأسیس بانک ملی در ابتدای پیدایش مشروطیت و مجلس ملی یک ضرورت تاریخی بود و به عنوان ایزاری جهت استقلال اقتصادی و به تبع آن استقلال سیاسی از سوی نمایندگان مجلس به کار بسته شد. ولی عوامل گوناگونی راه را بر این اندیشه بست. سنگ‌اندازی دولت، مخالفت مستبدان و حاشیه‌سازی آنان در حوزه بانک ملی زمینه‌های بی‌اعتمادی مردم را به وجود آورد. ارزیابی شوق اولیه توده متوسط شهری، و کاهش سریع آن، هرچند دلیل قبل را بر دوش می‌کشد، ولی فقدان علم و ثروت مزید بر علت شد. کارشکنی عوامل بیگانه همچون سرویس‌های بانک‌های روس و انگلیس هم از نظر مالی و سیاسی کشور را با بحران روبه‌رو کرد. خروج بی‌رویه مسکوکات کشور، کاهش نقدینگی در زمان تأسیس بانک ملی - که در افواه به نام «قحطی پول» موسوم گشته بود- و ایجاد شورش‌های مختلف در کشور، تنها جزء کوچکی از کارشکنی‌های دولتین است که حتی خود نیز در خاطرات و یادداشتهای سیاسی بدان اعتراف کرده‌اند. در هر حال، جریان شکست طرح اولیه بانک، تجربه کافی را در اختیار متولیان بعدی تشکیل بانک ملی قرار داد^(۱۰).

پی نوشت

۱. برای اطلاع از قرارداد بانک آلمانی ر.ک: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازبایی، ۲۴۰/۲۶۱۳۰، سند ۲۹.
۲. برای اطلاع بیشتر از نظر نگارنده حبل‌المتین درباره حوزه نفوذ سیاسی آلمان در کشورهای دیگر و مضار حضور آنان در ایران با توجه به منابع و مدارک روزنامه همچون تلگراف‌های روزنامه رویتر و استندارد بنگرید به: روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۳۱، صص ۱-۴؛ همان، ش ۳۲، صص ۳-۴.
۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: روزنامه حبل‌المتین تهران، ش ۳۶، صص ۱-۲؛ روزنامه صبح صادق، ش ۹۸، صص ۱-۲؛ روزنامه خلافت، ش ۸، صص ۲-۳.
۴. بانک استقراضی علاوه بر معاملات رهنی، امتیازات زیادی از کشور به دست آورد که از جمله مهم‌ترین آن می‌توان به امتیاز بیمه حمل و نقل؛ امتیاز ساخت راه انزلی - قزوین؛ امتیاز ایجاد شوسه تهران - همدان و امتیاز تأسیس راه تهران - قزوین اشاره نمود.

۵. وی در ادامه سه پیشنهاد دیگر ارائه می‌کند: (۱) اشخاصی که بیش از ۱۰۰۰ تومان موجب دارند حقوق سه‌ساله خود را در بانک بگذارند (۲) اشخاصی که بیش از «ده پارچه ده» مالک هستند، مالیات ۳ ساله دولت را پیش بدهند و در بانک سرمایه‌گذاری کنند (روزنامه تمدن، ش ۴۰، ص ۴).
۶. تایمز
۷. پیوسته؛ پشت‌سر هم
۸. برای اطلاع از مواد امتیازنامه بنگرید به: مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۱۴۹۹۲-ق و ۱۴۹۹۳-ق. ناگفته نماند نظامنامه بانک ملی انتقاد و اعتراض فراوان دولتی را به همراه داشت (تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ص ۱۳۷، ۳۲۱).
۹. مکتوب، نوشته
۱۰. بانک ملی به صورت رسمی به موجب قانون ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶/۵ مه ۱۹۲۷ شکل گرفت. بانک مزبور به صورت شرکت سهامی بوده و مرکز اصلی آن در تهران قرار داشت. این اساسنامه توسط رئیس مجلس وقت حسین پیرنیا به دولت ارجاع گردید. و وزیر مالیه فیروز در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۰۷ برای اجرا دستور صادر نمود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۲۴۰/۲۴۳۶، سند ۶؛ همان، شماره بازیابی، ۲۴۰/۶۰۵۶، سند ۲).

منابع

الف) کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون و هما ناطق، **افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار**، آگاه، تهران، ۱۳۵۶.
- احتشام‌السلطنه، میرزا محمود خان، **خاطرات احتشام‌السلطنه**، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، زوار، تهران، ۱۳۶۶.
- افضل‌الملک، غلامحسین، **افضل التواریخ**. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، شر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۱.
- اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده**، به کوشش ایرج افشار، جاویدان، تهران، ۱۳۵۹.
- بروان، ادوارد، **انقلاب مشروطیت ایران**، ترجمه مه‌ری قزوینی، چ ۲، کویر، تهران، ۱۳۸۰.
- تقی‌زاده، حسن، **زندگی طوفانی**، علمی، تهران، ۱۳۷۲.
- حاج سیاح (محلّاتی)، میرزا محمد علی، **خاطرات حاج سیاح**، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار، چ ۳، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۹.
- دانش‌پور، عبدالحسین، **کتاب بانک شاهنشاهی و امتیاز**، به کوشش حسین کی استوان، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- دولت‌آبادی، یحیی، **حیات یحیی**، چ ۵، عطار، تهران، ۱۳۷۱.

رایس، سرسسیل اسپرینگ، نامه‌های خصوصی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵.

سپهر، عبدالحسین خان، (۱۳۸۶). مرآت الوقایع مظفری، ج ۱، به کوشش عبدالحسین نوایی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۶.

شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، بهزاد، تهران، ۱۳۸۱.
عین‌السلطنه، قهرمان میرزا، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، اساطیر، تهران، ۱۳۷۴.

فریدالملک همدانی، میرزا محمد خان، خاطرات فرید، به کوشش مسعود فرید، زوار، تهران، ۱۳۵۴.

کاساکوفسکی، خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه عباسقلی جلی، چ ۲، کتاب‌های سیمرغ، تهران، ۲۵۳۵.

کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چ ۲۰، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
گروته، هوگو، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیوند، مرکز، تهران، ۱۳۶۹.
محیط مافی، هاشم، مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی و جواد جان فدا، فردوسی، تهران، ۱۳۶۳.

مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، ج ۱، چ ۵، زوار، تهران، ۱۳۸۴.
مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، انتشارات اداره روزنامه رسمی کشور، تهران، ۱۳۲۵.

نظام‌السلطنه مافی، حسین قلی خان، خاطرات و اسناد، ج ۳، به کوشش منصوره اتحادیه و دیگران، چ ۲، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۲.

هدایت، مهدی‌قلی خان، خاطرات و خطرات، چ ۴، زوار، تهران، ۱۳۶۳.

Drage, Geoffrey, Russian a affairs, London, 1904.

Iran political diaries: 1881-1965. Vol 14, oxford: archive editions.

ب) اسناد

تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان، به کوشش حسن معاصر، تهران، ابن سینا، تهران، ۱۳۵۲.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازبایی: ۲۴۰/۲۶۱۳۰؛ ۳۴۰/۱۸۳۵۴؛ ۲۴۰/۲۵۲۶۰؛ ۲۴۰/۲۶۲۲؛ ۲۴۰/۱۷۵۵۲؛ ۲۴۰/۲۳۷۵۱؛ ۲۴۰/۲۵۲۶۰.

کتاب آبی، ج ۱، به کوشش احمد بشیری، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳.

کتاب نارنجی، ج ۱، ترجمه حسین قاسمیان، به کوشش احمد بشیری، چ ۲، پرواز، تهران، ۱۳۶۷.
مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره سند: ۱۴۹۹۲-ق؛ ۱۴۹۹۳-ق؛ ۲۹۲۷۹-ق؛ ۲۹۲۸۰-ق؛ ۹۰۰۰۳-ق؛ ۹۰۰۰۳-ق؛ ۱-ق.

ج) روزنامه‌ها

- آزاد، س ۱، ش ۳ (۱ محرم ۱۳۲۵)، تبریز.
- اقیانوس، س ۱، ش ۵ (۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۶)، تهران.
- الجناب، س ۱، ش ۸ (ذیحجه ۱۳۲۴)، اصفهان.
- انجمن تبریز، س ۱، شماره‌های ۱۳، ۱۸، ۳۸، ۶۷، تبریز.
- انجمن مقدس ملی اصفهان، س ۱، شماره‌های ۶، ۹، ۱۰، اصفهان.
- ایران، س ۶۰، ش ۴ (۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵)، تهران.
- بشارت، س ۱، شماره‌های ۳، ۵، مشهد.
- تمدن، س ۱، شماره‌های ۱۲، ۴۰، ۵۴، ۵۹، ۶۳، ۶۸، تهران.
- جهاد اکبر، س ۱، ش ۲۹ (۲۲ شعبان ۱۳۲۵)، اصفهان.
- حبل‌المتین تهران، س ۱، شماره‌های ۱۳، ۱۵، ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۷۵، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۷۲، ۱۹۸، ۲۰۶؛ س ۲، شماره ۴۵، تهران.
- حبل‌المتین کلکته، س ۱۴، شماره‌های ۲۱، ۲۳؛ س ۱۵، شماره‌های ۲، ۳۰، ۳۱، ۳۷، کلکته.
- حکمت، س ۱۵، شماره‌های ۸۸۰، ۸۸۲، قاهره.
- خلافت، س ۱، ش ۸ (۲۷ شعبان ۱۳۲۴)، لندن.
- خورشید، س ۱، شماره‌های ۴، ۹، ۱۱، مشهد.
- روح‌القدس، س ۱، ش ۱۷ (۲۱ محرم ۱۳۲۶)، تهران.
- رهنما، سال اول، ش ۹ (۲۹ شعبان ۱۳۲۵)، تهران.
- صوراسرافیل، س ۱، ش ۱۷ (۱۴ شوال ۱۳۲۵)، تهران.
- صبح صادق، س ۱، شماره‌های ۶۰، ۹۰، ۹۸، ۱۵۰، تهران.
- صوراسرافیل، س ۱، ش ۳ (۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، تهران.
- عدالت، س ۱، ش ۱۶ (۴ شعبان ۱۳۲۴)، تبریز.
- کشکول، س ۱، ش ۲۰ (۱۹ شعبان ۱۳۲۵)، تهران.
- کوکب دری، س ۳، ش ۴ (۱۶ صفر ۱۳۲۵)، تهران.
- مجلس، س ۱، شماره‌های ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۸۰، ۱۸۱، تهران.
- مساوات، س ۱، ش ۴ (۵ شوال ۱۳۲۵)، تبریز.
- معارف، س ۱، شماره‌های ۱۵، ۳۲، ۴۵، تهران.
- ندای اسلام، س ۱، ش ۳۶ (ذیقعه ۱۳۲۵)، شیراز.
- ندای وطن، س ۱، شماره‌های ۲۴، ۸۲، ۱۳۰؛ س ۲، ۱۸۳، ۲۶۳، تهران.